

قصیده رضوی بهار، تجلی بیداری اسلامی در عصر مشروطه

زهره جمشیدی^۱

چکیده

پژوهش حاضر درصدد بررسی مؤلفه‌های بیداری اسلامی در عصر مشروطه دریکی از قصاید رضوی محمدتقی با مطلع «بوی خون ای باد از طوس سوی یشرب بر» است که در آن مؤلفه‌های پایداری و بیداری بسیار گسترده است. (مسئله)؛ این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای (روش) سعی دارد به تبیین جایگاه قصاید رضوی (بامطالعه موردی قصیده رضوی بهار) در بیداری اسلامی عصر مشروطه بپردازد. برآیند تحقیق حاکی از آن است که بهار از جمله شاعران متعهد عصر مشروطه است که در اشعار خود از مفاهیم پایداری بهره فراوانی در بیداری اسلامی عصر مشروطه برده است. این قصیده شامل عناصر افشای ظلم و هویت ظالم، بیان مظلومیت مردم، تمسک به پیامبر (ص) و امام رضا (ع)، ستایش آزادی و آزادی‌خواهان، نفی استعمار خارجی و اختناق داخلی، سعی در آگاهی مردم و توجه به جایگاه رهبران و آزادی‌خواهان است. بهار با استعانت از عناصر دینی و مذهبی در این قصیده، عموم مردم را از جنایات استعمار و استبداد در عصر خود آگاه می‌کند و به معنای دقیق کلمه درصدد تحقق بیداری اسلامی در عصر مشروطه است. (یافته‌ها).

واژگان کلیدی: ادبیات پایداری، بیداری اسلامی، عصر مشروطه، قصیده رضوی، محمدتقی بهار.

۱. استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران.

۱. مقدمه

تمدن هر قومی، عناصری دارد که یکی از بارزترین و مهم‌ترین این عناصر، ادبیات هر فرهنگی است. ادبیات علاوه بر این که وسیله‌ای برای اقناع روح و اندیشهٔ مردم یک جامعه است، وسیله‌ای برای نشر عقاید، ارزش‌ها و تفکرات آنان نیز به شمار می‌رود. از این روی می‌توان برای ادبیات، انواعی قائل شد که ادبیات پایداری یا ادب مقاومت، یکی از این انواع است.

ادبیات پایداری (مقاومت)، گونه‌ای ادبیات متعهد است که تحت شرایطی از قبیل نظام حاکم مستبد، خفقان و سلب آزادی، بی‌عدالتی، غصب سرزمین و قدرت و سرمایه‌های ملی و... شکل می‌گیرد. وظیفهٔ این گونه از ادبیات، به تصویر کشیدن ظلم و ستم و زشتی‌ها و پلشتی‌های مستکبران داخلی و خارجی از یک سو و شرح و بیان درد و رنج و محرومیت و مظلومیت قربانیان استبداد از سوی دیگر است و مخاطبانش را برای مبارزه و مقاومت و پایداری در مقابل این گونه نظام‌ها، تشویق و تحریض می‌کند. «یکی از مهم‌ترین نتایج ادبیات پایداری در هر حوزه‌ای، تحولات اجتماعی است» (مقدس و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۶۷) که این تحولات اجتماعی، بستری برای آزادی‌خواهی و نفی ظلم فراهم می‌آورد.

ادب پایداری (مقاومت)، شامل هر سروده یا نوشته‌ای است که برای اعتراض علیه ظلم و بیداد و مقابله با حاکمان جور و تجاوز بیگانگان سروده یا نوشته می‌شود و هدف از آن بیدار کردن مردم و ترغیب آنان علیه ستم‌پیشگان عصر است. این آثار که با تکیه بر آرمان‌خواهی، عدالت‌خواهی و نوع‌دوستی سروده می‌شوند، از لحاظ مضمون، مقاوم و تسلیم‌ناپذیرند و از نظر لفظ و آهنگ، برانگیزاننده و شورانگیز. «هدف ادبیات پایداری انتقال فرهنگ مقاومت از نسلی به نسل دیگر و از تاریخی به تاریخ دیگر است» (زندرحیمی و همکاران، ۱۳۹۹: ۶۶).

واژه «مقاومة» در ادب عربی، مصدری بر وزن مفاعله و از ریشهٔ «قَوَمَ» بوده و به معنای رودرویی قدرت با قدرت، ایستادگی در برابر دشمنان و تسلیم نشدن در برابر اهداف آن‌ها و مخالفت با اموری است که با عدالت و آرزوهای انسان ناسازگار و ناهمگون می‌باشد (ن.ک: المنجد فی اللغة العربیة، ذیل ماده قوم). البته مقاومت علاوه بر معنای فوق به عنوان راندن، سرکشی، آشوب و انقلاب نیز به کار می‌رود (ن.ک: فرهنگ فارسی معین، کلمه مقاومت).

ادبیات مقاومت را می‌توان به فریاد رسای ملت‌های مظلوم و ستم‌دیده تعبیر نمود. این ادبیات در برابر استعمارگران و ظالمانی که هدفی جز به یغما بردن تلاش ملت‌های مظلوم و ستم‌دیده

برای برافراشتن کاخ‌های ظلم و ستم خود ندارند، به پا خاسته و با تمامی توان در راستای نابودی اهداف استعماری آن‌ها تلاش می‌کند و گاه چنان جوش و خروشی دارد که جهان را به لرزه درآورده و ملت‌های را وادار به حرکت می‌نماید؛ گاهی نیز به خاطر خفقان‌های سیاسی و اوضاع نابسامان جامعه و اختناق بیش از حد، رنگ نجوای شبانه به خود گرفته و چون شب‌نامه‌ها و دیوار نوشته‌ها منتشر می‌شود. در هر صورت این ادبیات همیشه زنده و پویا و فعال بوده و در راه رسیدن به هدف مقدس خود که همان رهایی جامعه از قید و بند استعمار و استبداد است، در تلاش می‌باشد. «این ادب پیوسته با مردم می‌جوشد و می‌خروشد و با حالات و مناسبت‌های آنان در رویارویی با دشمنان همسو و همساز (است) و با جزر و مدهای زندگی مردم همراهی دارد» (آیین‌هوند، ۱۳۷۳، ۱۴۱).

به کلامی بهتر، می‌توان ادبیات پایداری را این‌گونه تعریف کرد: «ادب مقاومت به مجموعه آثاری گفته می‌شود که از زشتی‌ها و فجایع بیداد داخلی یا تجاوز بیرونی در همه حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی با زبانی ادیبانه سخن می‌گوید. برخی از این آثار پیش از رخ نمودن فاجعه، برخی در زمان جنگ و یا پس از گذشت زمان به نگارش تاریخ آن می‌پردازد.» (شکری، ۱۹۷۹ م، ۱۱/۱۰) به عبارت دیگر «ادبیات مقاومت، مقابله با همه اشکال استعمار و ظلم است که در آن سخن در جایگاه سلاح و تفنگ قرار می‌گیرد و این در حالی است که تأثیر سلاح و تفنگ محدود به عرصه جنگ است؛ اما تأثیر سخن ادبیات مقاومت پیوسته ادامه دارد» (الحسین، ۱۹۷۲ م، ۱۲).

۱-۱. بیان مسئله

همان‌گونه که از لفظ «پایداری» پیداست، این ادبیات، دعوت به نوعی مقاومت و ایستادگی در برابر آشکالی از تهاجم است که این مقاومت، به عنوان یک ارزش تلقی می‌گردد. «شعر پایداری، جدا از دلالت‌های موضوعی از منظر فلسفه و علوم نظری، به شعری اطلاق می‌شود که محصول همدلی میهنی یا قومی در برابر گونه‌ای از تجاوز طبیعت بشریست» (کاکایی، ۱۳۸۰: ۹).

این تجاوز ممکن است یا از سوی دشمن و یا از سوی حکومت داخلی با نادیده گرفتن آزادی و حقوق مردم صورت پذیرد. از این عبارت برمی‌آید که نوعی اعتراض در بطن مفهوم پایداری وجود دارد. این اعتراض که نسبت به استعمار و استثمار بیگانگان، اختناق و استبداد

داخلی و سلب آزادی‌های فردی و اجتماعی، تجاوز به حریم ارزش‌های دینی و ملی، و همچنین قانون‌ستیزی و قانون‌گریزی از سوی پایگاه‌ها و مراکز قدرت است، تبدیل به موجی از مقاومت می‌گردد که بسته به میزان شدت و ضعف آن، زمینه‌ساز تحولات بزرگ سیاسی و اجتماعی می‌گردد.

محمدتقی بهار (ملک الشعرا) یکی از شاعرانی است که با استفاده و استمداد از مضامین مذهبی خصوصاً تمسک به امامان شیعه دست به خلق شاهکارهایی در شعر فارسی زده است. از آنجاکه بهار ملک الشعرای آستان قدس رضوی بوده است، توجه به امام رضا در اشعار او جایگاهی ویژه دارد و از این رهگذر اشعاری رضوی نیز سروده است. در همین راستا بررسی و تحلیل بن‌مایه‌های ادب‌پایداری در قصیده رضوی او با مطلع «بوی خون ای باد از طوس سوی یشرب بر»، موضوع این جستار است. بهار که خود شخصیتی مبارز است، با استمداد از مضامین مذهبی، قصیده‌ای سیاسی - مذهبی سروده که به معنی دقیق کلمه، مصداق بارز شعر‌پایداری و فریادی پر جوش و خروش برای بیداری اسلامی است.

ما در این جستار بر آنیم تا با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی یکی از قصاید رضوی بهار و نقش این شاعر فرهیخته در بیداری اسلامی دوران مشروطه پردازیم. گفتنی است بهار یکی از سردمداران تفکر نوین ضد استبدادی و استعماری دوران خویش است و این تفکر در لابه‌لای اشعار ایشان کاملاً مشهود است.

۱-۲. پیشینه تحقیق

درباره انعکاس ادبیات مقاومت در شعر محمدتقی بهار تحقیقاتی چند انجام شده است که برای نمونه می‌توان به موارد زیر که بیشترین شباهت را با تحقیق حاضر دارند اشاره کرد:

واشقانی فراهانی و تواضعی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی تطبیقی جلوه‌های پایداری در شعر ملک الشعرا بهار و امل دنقل» به صورت تطبیقی به بررسی ادبی‌پایداری در اشعار بهار و دنقل پرداخته‌اند و وجوه مشترک آن‌ها را کاویده‌اند.

«ادب‌پایداری و مقاومت در اشعار ملک الشعرا بهار» (۱۳۹۴) عنوان مقاله‌ای مشترک از کاظم خانلو، سرداری و رسولی است که به بررسی جلوه‌های پایداری در اشعار ملک الشعرا بهار پرداخته است.

قانونی و غلامحسینی (۱۳۹۶) در مقاله «بررسی و تحلیل انتقاد و اعتراض اشعار شاعران پایداری (مقاومت) (با تکیه بر اشعار ملک‌الشعراى بهار)»، به بررسی مقوله اعتراض و انتقاد در اشعار بهار پرداخته‌اند و شاخصه‌های انتقاد و اعتراض را در اشعار این شاعر کاویده‌اند.

«بررسی تطبیقی سیمای پایداری در اشعار ملک‌الشعراى بهار و محمد الفیتوری» (۱۳۹۷) عنوان مقاله‌ای است از محسنی گردکوهی و جرنگیان که در آن به صورت تطبیقی مفهوم مقاومت و پایداری را در دو شاعر مذکور بررسی کرده و موارد اشتراک این دو شاعر را ذکر نموده‌اند. تفاوت پژوهش حاضر با مقالات ذکرشده در این است که این مقاله به بررسی انعکاس ادب پایداری در قصیده‌ای رضوی از ملک‌الشعرا و نقش آن در بیداری اسلامی عصر مشروطه می‌پردازد.

۱-۳. ضرورت و اهمیت تحقیق

قبل از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی و جنگ عراق علیه ایران، نیز چند حادثه بزرگ اتفاق افتاد که منجر به ظهور ادبیات پایداری شد؛ از جمله وقوع دو جنگ جهانی، نهضت مشروطیت، روی کار آمدن و برکنار شدن رضاشاه، کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۴۷ خرداد ۱۳۴۲ که همگی منجر به مصائب انسانی و اجتماعی عظیمی از قبیل قحطی و فقر و کشته شدن انسان‌های بی‌گناه و ... شد، همه و همه زمینه‌های ظهور و گسترش ادبیات پایداری را در ایران باعث شد.

علاوه بر مطالب یادشده، باید اذعان داشت که یکی از مهم‌ترین جلوه‌های ادب پایداری در ایران، جلوه مذهبی آن و یاری‌گیری از شخصیت‌های مذهبی و ائمه اطهار به عنوان شخصیت‌هایی مقاوم و نستوه در برابر دشمنان است. مطالعه در ادبیات پایداری مذهبی ایران، به تحلیل بسیاری از مؤلفه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی این کشور یاری می‌رساند. اشعار عاشورایی، رضوی و انتظار از جمله مواردی است که به ادبیات پایداری فارسی جلوه‌ای خاص و ممتاز بخشیده است. از آن‌جا که حرم مطهر امام رضا (ع) در ایران قرار دارد و مردم ایران نسبت به ایشان ارادتی خاص دارند، سیمای امام رضا (ع) و مشهد ایشان، در ادبیات فارسی جایگاهی ویژه دارد و در بسیاری از ادوار و طی حوادث تلخ سیاسی-اجتماعی، شاعران با بهره‌گیری از عواطف مذهبی مردم نسبت به امام رضا (ع) و حرم مقدس ایشان، سعی در آگاهی‌بخشی به آنان داشته‌اند. آشنایی با روش برخی از این شاعران، می‌تواند منجر به الگوگیری در زمان حاضر برای تأثیر برجسته‌ای بر جهان اسلام و بیداری اسلامی شود.

۲. بحث

نقش ادبیات در تحولات اجتماعی غیرقابل انکار است. «ادبیات، آینه فرهنگ یک جامعه و تاریخ هنری تحولات آن است. شعر فارسی نیز از دیرباز تاکنون منعکس کننده خواسته‌ها، آرمان‌ها، دردها و رنج‌ها، عقاید و باورها و نمودار تاریخ پرفراز و فرود مردم این سرزمین است» (مهرآوران، ۱۳۸۹: ۱۲۴). با توجه به این که می‌توان دامنه ادبیات مقاومت را به هر نوع پایداری و رویارویی انسان که در قالب نظم و نثر ظهور می‌یابد گسترش داد، باید گفت که ادبیات پایداری، چیزی نیست که با پیروزی انقلاب اسلامی ایران و یا شروع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران شکل گرفته باشد؛ بلکه در تاریخ اسلام، قصاید ابوطالب (ع) در ستایش و دفاع از ساحت پیامبر اکرم (ص) و مسلمان شکنجه دیده، رجزخوانی‌های حضرت حمزه (ع) در صحنه‌های نبرد، رجزخوانی‌های حضرت علی (ع) در مقابل دشمنان؛ به‌ویژه در جنگ احزاب در مقابل عمر بن عبدود، رجزخوانی‌های شکوهمند و شورانگیز حضرت امام حسین (ع) در دشت کربلا، خطبه‌های شورانگیز و ستم برانداز حضرت زینب (س) و امام سجاد (ع) در مجلس یزید، نمونه‌های درخشان ادب مقاومت و پایداری در مقابل بیداد به شمار می‌روند (سنگری، ۱۳۸۶: ۲۴ - ۲۳).

یکی از مقاطع حساس تاریخ معاصر ایران عصر مشروطه است. در این دوره، شور و هیجان مبارزین برای آگاهی و بیداری ایرانیان، قابل توجه است. محمدتقی بهار یکی از آزادی‌خواهان و ادیبان عصر مشروطه است که با بهره‌گیری از مضامین مختلف سعی در آگاهی و بیداری مردم مسلمان ایران دارد. همان‌گونه که گذشت یکی از مضمون‌های پرتکرار اشعار بهار ارادت به خاندان عصمت و طهارت (ع) و استمداد از ایشان برای نجات مردم از استبداد و استکبار است. قصاید رضوی بهار در بردارنده بخش مهمی از بن‌مایه‌های بیداری اسلامی است که نگارنده در این جستار به مطالعه یکی از قصاید رضوی این شاعر متعهد پرداخته است.

۲-۱- نگاهی گذرا به زندگی بهار

محمدتقی بهار در هجدهم آذرماه ۱۲۶۵ ه.ش (برابر با سیزدهم ربیع‌الاول ۱۳۰۴ ه.ق) در شهر مشهد دیده به جهان گشود. او از مؤثرترین شخصیت‌های فرهنگی-ادبی سده اخیر است (روزبه، ۱۳۸۸: ۱۰۵). پدرش محمدکاظم صبوری، شاعر بود و عنوان ملک الشعراء آستان قدس رضوی را به دوش می‌کشید. بهار از همان دوران کودکی، تحصیل و اصول ادبیات را از

پدر آموخت؛ به گونه‌ای که در هفت‌سالگی موفق شد یک دور شاهنامه فردوسی را بخواند. خود او در این باره می‌نویسد: «معانی مشکله آن را پدرم به من می‌فهمانید و این کتاب به طبع و ذوق من در فارسی و تاریخ ایران کمک بی‌نظیری کرد که هیچ‌وقت فواید آن را از خاطر نمی‌توانم برد» (عابدی، ۱۳۷۶: ۲۲).

بهار از چهارده‌سالگی با مجامع آزادی‌خواهی در ارتباط بود و با افکار جدید آشنا شد و به مشروطه و آزادی دل بست (نصرتی، ۱۳۷۹: ۲۳۴). در هجده‌سالگی پس از درگذشت پدر، لقب ملک الشعرائی آستان قدس به دستور مظفرالدین شاه به وی واگذار شد. با شروع انقلاب مشروطیت به فعالیت‌های سیاسی وارد شد و پس از عضویت در حزب دموکرات مشهد، روزنامه نوبهار را انتشار داد. «طی مدت کوتاهی، تشکیلات حزب دموکرات در خراسان توسعه یافت و برجسته‌ترین عضو کمیته ایالتی آن، ملک الشعرای بهار به خرج خودش روزنامه نوبهار را به‌عنوان ارگان حزب انتشار داد» (عرفانی، ۱۳۵۵: ۵۷ و ۵۸).

پارها با انتشار مقالات و اشعار تند علیه سیاست پادشاهان مستبد کشور و دولت‌های بیگانه و همچنین دفاع از آزادی و حقوق بحق مردم، روزنامه نوبهار توقیف شد و سپس در فرصت مناسب، دوباره آن را منتشر کرد. سپس به‌عنوان یک آزادی‌خواه به مجلس نمایندگان راه پیدا کرد و طی پنج دوره نمایندگی، پارها به تبعید و زندان افتاد. در طول دوره مشروطه و استبداد صغیر، در کنار سایر آزادی‌خواهان به فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی پرداخت و اشعاری زیبا در خصوص وطن و آزادی سرود. «صدای اصلی مشروطیت، بیشتر یا میهن‌پرستی است؛ یا انتقاد اجتماعی و این صدا بیشتر در شعر ایرج و بهار دیده می‌شود» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۷: ۳۴). بهار را می‌توان یکی از روشنگران اصلاح‌گر این دوره دانست که از طریق «گفتمان، تلاش‌های قلمی، بیان و محاورات فردی» (مراد پور دهنوی، ۱۳۹۹: ۸۸) سعی در بیداری مسلمانان داشت.

در سال ۱۳۰۰ ه.ش با ورود به مجلس چهارم در کنار مدرّس، به مخالفت با سردار سپه و اقدامات او پرداخت که منجر به ناکام ماندن طرح جمهوریت رضاخان شد. اما بالأخره رضاخان توانست در سال ۱۳۰۴ ه.ش رأی موافقت نمایندگان را در خصوص تغییر سلطنت بگیرد و بهار پس از پایان دوره ششم به علت ممانعت حکومت رضاشاه از حضور وی در مجلس، منزوی شد و فرصتی یافت تا به فعالیت‌های ادبی و فرهنگی بپردازد. پس از تبعید رضاشاه در سال ۱۳۲۰ ه.ش، بهار توانست بار دیگر روزنامه نوبهار را منتشر کند و به فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی

ادامه دهد. در سال ۱۳۲۴ ه.ش در کابینه قوام به وزارت فرهنگ منصوب شد که پس از شش ماه فعالیت، کناره‌گیری کرد و در مجلس پانزدهم به‌عنوان نماینده مردم تهران، به مجلس راه یافت؛ اما به دلیل بیماری و پیری نتوانست به فعالیت‌های خود همچون گذشته ادامه دهد. «آخرین فعالیت اجتماعی بهار، ریاست جمعیت هواداران صلح بوده است و در نخستین روز اردیبهشت‌ماه ۱۳۳۰ شمسی به دنبال یک بیماری طولانی وفات می‌یابد» (نصرتی، ۱۳۷۹: ۲۳۵).

با توجه به دیوان اشعار بهار، در می‌یابیم که او یکی از شاعران متعهد ادبیات پایداری است. «امتیاز بزرگ بهار در آن است که با وجود انتساب به مکتب شعر قدیم توانسته است شعر خود را با خواسته‌های ملت هماهنگ سازد و ندای خود را در مسائل روز و حوادثی که هم‌وطنان وی را دچار اضطراب و هیجان ساخته بود، بلند کند» (آرین پور، ۱۳۸۲ ج ۲: ۱۲۷). در اشعار او، عناصر ادب پایداری به‌وضوح جلوه‌گرند که به‌عنوان مثال می‌توان به شرح و بیان ظلم و ستم، وطن‌دوستی، دعوت به مبارزه، بهره‌گیری از مضامین و شخصیت‌های مقدس دینی و ملی، بیزاری جستن از سلطه بیگانگان و استعمار و ... اشاره کرد.

۲-۲. قصیده رضوی

یکی از قصاید معروف بهار، قصیده‌ای است با مطلع «بوی خون ای باد از طوس سوی یثرب بر». او این قصیده را در واقعه بمباران مسجد گوهرشاد و حرم مطهر امام رضا (ع) که توسط روس‌های تزاری در اوایل محرم سال ۱۳۳۰ ه.ق (۱۲۹۱ ه.ش) به توپ بسته شد، سرود. از آنجا که در آن زمان و به‌موجب قرارداد ننگین آخال، مشهد و سایر نواحی خاوری دریای خزر تحت نفوذ سیاسی روسیه بود، انقلاب ملی مشروطیت در سال‌های ۱۳۲۵ (۱۲۸۶ ه.ش) و ۱۳۲۷ ه.ق (۱۲۸۸ ه.ش) و نتایج حاصل از آن، بهانه‌ای به دست روس‌ها داد تا بسیاری از نیروهای خود را، به‌منظور سرکوبی مشروطه‌خواهان، به خراسان گسیل دارند (نک: مدرّس رضوی، ۱۳۷۸: ۲۲۶). در این واقعه تلخ و دردناک، گنبد حرم رضوی آسیب می‌بیند و تعداد کثیری از مردم پناهنده به این حرم مقدس و زوار آن، به شهادت می‌رسند. این رویداد بر محمدتقی بهار که از طرفی خود از آزادی‌خواهان و مشروطه‌طلبان و از طرفی دیگر مسلمانی دوستدار ائمه (ع) بود، بسیار گران می‌آید و از این‌رو بایانی غم‌انگیز به شرح این ماجرا می‌پردازد. در این قصیده رضوی، تعدادی از عناصر ادب پایداری و تلاش برای بیداری اسلامی، قابل مطالعه و تأمل‌اند که در ادامه

به بررسی این موارد پرداخته خواهد شد.

۲-۳. ادبیات مقاومت در قصیده رضوی

۲-۳-۱. تمسک و توسل به دین، مذهب و شخصیت‌های دینی

بهار، قصیده خود را با شکایت از وضع موجود و واقعه تلخ و غم‌انگیزی که بر حرم مطهر رضوی گذشته است به پیامبر اسلام (ص)، شروع می‌کند:

بوی خون ای باد از طوس سوی یثرب بر / با نبی برگو از تربت خونین پسر
عرضه کن بر وی، کز حالت فرزند غریب / وان مصیبت‌ها، آیا بودت هیچ خبر؟
هیچ دانی که چه بودست غریبان را حال / یا چه رفته است غریب‌الغریب را بر سر

(بهار، ۱۳۸۷، ۱/۲۲۳)

بهره‌گیری از شخصیت مقدس پیامبر (ص) که رکن رکن اسلام است، یکی از بن‌مایه‌های ادب پایداری اسلامی محسوب می‌شود. علاوه بر پیامبر (ص)، یاری جستن از ائمه شیعه (ع) نیز از موضوعات دیگر ادب مقاومت شیعی است. بهار در ابتدای این قصیده، با خطاب قرار دادن باد، برای رساندن خبر مظلومیت مسلمانان ایران و بالاتر از آن مظلومیت امام رضا (ع)، از آن پیک می‌سازد که به شتابی هرچه تمام‌تر، خبر حادثه را به گوش پیامبر (ص) برساند. ذکر مظلومیت و غریبی امام رضا (ع) و زوّار و پناهندگان حرم او، اولین بن‌مایه مقاومتی این شعر است؛ زیرا مظلوم واقع شدن جماعتی، بستری برای خیزش‌های انقلابی و مقاومت در برابر ظلم و ستم است و در ادبیات پایداری تمامی فرهنگ‌ها، یکی از ارکان اصلی می‌باشد. انعکاس مظلومیت مردم در ادبیات، منجر به خلق ادب پایداری می‌شود، چراکه ادبیات پایداری «همان ادبیات ایستادگی و مبارزه در مقابل ظلم ظالمان و استقامت در برابر آن‌هاست» (زند رحیمی و همکاران، ۱۳۹۹: ۶۸). بهار با عنایت به همین موضوع، سخن خود را با ذکر اندوه و بیان ظلم ظالمان و شکایت از این موضوع به پیامبر آغاز می‌کند.

۲-۳-۲. ترسیم چهره مظلومین برای آگاهی بخشی

آشکار است که مردم یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده ادب پایداری هستند. آگاهی مردم نسبت به ظلم و تعدی ظالمان و متجاوزان، از ارکان اصلی مبارزه در هر قیامی است.

ملک الشعراى بهار نیز بر این امر واقف بوده است و به همین دلیل به ذکر اتفاقات و جزئیات حادثه خونین حرم امام رضا (ع) و مسجد گوهرشاد می‌پردازد و طی ابیاتی، مردم را از اصل واقعه آگاه می‌کند. شاعر برای تأثیرگذاری بر مخاطب، ابتدا با اندوه فراوان از ظلم‌هایی که همواره بر خاندان رسالت رفته است سخن می‌گوید و این‌گونه گریزی می‌زند به واقعه اصلی که درصدد افشا و ترسیم آن است:

چه گذشته است ز بدخواه، بر آن پور غریب
چه رسیده است از این دیو نژادان شریر
ستمی کردند اینان به جگر گوشه تو
این قدر هست که سوی تو ازین تربت پاک
فلک آن مایه ستم کرد که در نیرو داشت
ای عجب! با پسران نبی و آل علی
ای عجب! آل علی را کشد و از پس مرگ
نک بیاید و ببینید که در کاخ رضا
بنگرید ایدون کائن بقعه و این پاک حریم
ای نصارا تو چه گویی کس اگر آید باز
پس بیالختی و بیداد عدو را بشنو
بنگر باز که این خیره تمدن خواهان
چه رسیده است ز بدخواه، بر آن پور غریب
چه رسیده است از این دیو نژادان شریر
ستمی کردند اینان به جگر گوشه تو
این قدر هست که سوی تو ازین تربت پاک
فلک آن مایه ستم کرد که در نیرو داشت
ای عجب! با پسران نبی و آل علی
ای عجب! آل علی را کشد و از پس مرگ
نک بیاید و ببینید که در کاخ رضا
بنگرید ایدون کائن بقعه و این پاک حریم
ای نصارا تو چه گویی کس اگر آید باز
پس بیالختی و بیداد عدو را بشنو
بنگر باز که این خیره تمدن خواهان

(بهار، ۱۳۸۷، ۱/۲۲۳)

شاعر پس از این مقدمه، به اصل موضوع و بیان فاجعه‌ای که اتفاق افتاده است می‌پردازد. ذکر جزئیات حادثه خون‌بار حرم مطهر رضوی، منجر به روشننگری، خشم مسلمانان و بیداری آنان می‌شود. بهار با بیانی تأثیرگذار بی‌گناهی، مظلومیت و بی‌پناهی زوار و مجاوران حرم رضوی را بیان کرده و از این رهگذر، ذهن مخاطب را به سوی ایستادگی و مقاومت در برابر استعمار و استبداد سوق می‌دهد:

هشتصد مرد و زن از بومی و زوار و غریب داده جان از پورش لشکر روس کافر

نه مر ایشان را بوده است به سرشور نبرد
همه وامانده کیند فلک افسون ساز
همه از بییم، پناهنده به دربار رضا
بر چنین طایفه بی گنه از چارطرف
یک طرف مردان جان داده همه بی تقصیر
یک جماعت راقزاق فشرده است گلو
جسد کشته فتاده است به بالای جسد
تیر باریده بر ایشان ز دوسو چون باران
مادران بینی در ناله ز سوگ فرزند
شوهران بینی جویان پی گم گشته عیال

نه مر ایشان را بودست به کف تیر و تبر
همه سیلی خور جور فلک افسونگر
همه از دشمن، نالند به پیش داور
تیر باریدند آن طایفه کین گستر
یک طرف نسوان افتاده همه بی معجر
یک جماعت را سرباز شکسته است کمر
پیکر خسته فتاده است به روی پیکر
توپ غریده برایشان ز دو سو چون تندر
پسران بینی در گریه ز مرگ مادر
بانوان بینی پویان، پی نعش شوهر

(بهار، ۱۳۸۷، ۱/۲۲۳)

۲-۳-۳. مبارزه با استعمار خارجی و استبداد داخلی و اعتراض

نکته‌ای که در شعر مشروطه، قابل توجه است، این است که در شعر این دوران، موضوع پایداری در برابر استبداد و آلودگی صاحب‌منصبان داخلی و استعمار قدرت‌های بزرگ و طمع همسایگان در شعر و آثار شاعران به اوج خود می‌رسد. بهار، با ذکر جزئیات جنایتی که در حرم به وقوع پیوسته است، عوامل اصلی این بیداد را به مخاطبین خویش معرفی می‌کند. او آشکار می‌کند که استعمار روسیه و استبداد، بی‌کفایتی و ستمگری عمال داخلی، این فاجعه را رقم زده است. استعمار و استبداد، پدیده‌های مضمزکننده‌ای هستند که مدّت‌های مدید، نابودی آزادی‌خواهان و جویندگان عدالت ایرانی را در پی داشت:

ای عجب! روس همی گوید: چون فتنه‌گران
والی ملک هم از کیفرشان عجز نمود
ما همی گوئیم این فتنه و این فتنه‌گران
زر فشانید از اول به سران اشرار

اندر آن بارگه پاک نمودند مقـرر،
زان سبب دادم من فتنه‌گران را کیفر!
خودنه از فتنه‌گری‌های شما بود مگر
تا که این فتنه به پا کرده شد از نیروی زر

همه از این روی در این حمله و کشتار بزرگ
 همه راه گشادید ولی از این سوی
 ور همی گوید از این همه ما بی خبریم
 مفسد آر فتنه کند، کاخ رضا را چه گناه؟
 مسجد و کاخ اگر بوده مقام اشرار
 بقعه و کاخ رضا را ز چه غارت کردید؟
 فتنه سازان را اصلاً نرسید ایچ ضرر
 بی کسان را بگرفتند همه گرد اندر
 کاخ و مسجد را ویران ز چه کردید دگر؟
 مار اگر حیلہ کند، باغ جنان را چه خطر؟
 ز چه گنبد را کردید خراب و ابتر؟
 ای همه راهزن و بدکنش و غارتگر!

(بهار، ۱۳۸۷، ۱/۲۲۳)

بهار با این روشنگری، عامل فتنه اصلی را استبداد داخلی می داند، استبدادی که «با توسل به یکی ایدئولوژی تمامیت خواه، زور و اعمال سرکوب را در عرصه عمومی توجیه می کند» (محسنی، ۱۳۹۰: ۴۳۴).

۲-۳-۴. تحریض و تهییج مردم و دعوت آنان به مبارزه

همان گونه که بیان شد، مردم و مبارزات آن ها، پایه مقاومت و پایداری اند و مردم همواره و در هر شرایط سیاسی و اجتماعی ای حضوری گسترده داشته اند. در جامعه ای که سایه های ظلم و استبداد همه آن را فرا گرفته است، باید مردم در صحنه های مبارزه حاضر شوند و برای دفاع از وطن و ارزش های آن به شکل های متفاوت، مقاومت و پایداری نمایند، حتی در این مسیر، فدا نمودن جان خویش و عزیزان نیز رواست. تحریض مردم برای مبارزه علیه بیدادگران، از وظایف شاعران متعهد است. بهار نیز در قصیده مورد بحث، پس از ذکر مصیبت و آشکار نمودن هویت عاملان آن، مردم را مورد خطاب قرار می دهد و آن ها را به مقابله فرامی خواند:

ای مسلمانان زمین واقعه خون گریه کنید
 ای زنان چادر نیلی به سر اندر بکشید
 از وهابی شد اگر کاخ حسینی ویران
 نه همانا نبد این کاخ همان کاخ رضا
 که نمودست رضا کسوت خونین در بر
 زان که زهرا را نیلی است به سر بر چادر
 شد ز قزاق عدو کاخ رضا ویران تر
 خانه دین نبی بود که شد زیر و زبر
 بلکه بر قلب علی خورد و دل پیغمبر
 نه به گنبد خورد این آتش توپ بیداد

ما اگر خانه خرابیم ز کسمان گله نیست
صاحب خانه اگر باز نبندد در خویشش
چه گریز است ز ماهیت طبع بشوری
صعوه را گوئیم از صید ملخ دست بدار
تو هم ای شاهین، کبکان را زین بیش مگیر
گر چنین گوئیم ای خواجه همانا که خطاست
گر ضعیفان را بر خویش حراست نبود
ای مسلمانان تا چند به وهم و به خیال
هر که او از خود و از خانه حفاظت نکند
نیست انسان را جز آنچه در او سعی نمود
پس تو چون رنج نبردی ز که می خواهی گنج

کائن خرابی همه از ماست در انجام نظر
گله ای نیست اگر دزد در آید از در
که بدو گوئیم از مال کسان بهره مبر
باشه را گوئیم از خون چکاوک بگذر
تو هم ای شیر، غزالان را زین بیش مدر
زان که طبع حیوانی را این است گهر
بر در و بر ز نشان خیل قوی راست گذر
ای مسلمانان تا چند به بوک و به مگر
نبود حافظ او نیز، خدای اکبر
این چنین گفت پیمبر به همایون دفتر
پس تو چون سنگ نکندی ز که می خواهی زر

(بهار، ۱۳۸۷، ۱/۲۲۳)

بهار با این ابیات همراه با تحریض مردم، اراده آن‌ها را بیدار می‌کند. «زیرا تا اراده انسان‌ها برای برانداختن ظلم و کفر وجود نداشته باشد، تقدیر آنان را همان ظلم و استعمار رقم می‌زند» (رسول‌نیا و آقاجانی، ۱۳۹۲: ۶۵). او با آگاهی بخشی به مردم، به آنان هشدار می‌دهد که اگر برای مبارزه به پا نخیزند، حتماً همواره مورد طمع دشمنان استعمارگر واقع خواهند شد.

۲-۳-۵- تقدیر و بزرگداشت رهبر یا فعالان آزادی خواه

در هر قیام و خیزشی، رهبر آن انقلاب، مغز متفکر و قلب تپنده مردم مبارز است. لازمه شخصیت رهبری، شجاعت و تدبیر است. از این روی رهبران و فعالان در ادبیات پایداری، بسیار قابل احترام و توجه‌اند؛ به عنوان مثال می‌توان به جایگاه امام خمینی (ره) در شعر شاعران ادب مقاومت، اشاره کرد. بهار در ادامه و در ابیات انتهایی قصیده رضوی خویش که از نوع ادب پایداری است، به تقدیر و ستایش سید جلال‌الدین کاشانی به عنوان یکی از رهبران و فعالان مبارزه علیه استعمار و استبداد، می‌پردازد. سید جلال‌الدین کاشانی، ملقب به مؤید الاسلام و متخلص به ادیب، مدیر

روزنامه حبل‌المتین کلکته و از آزادی خواهان دوره مشروطیت بود که خود و روزنامه‌اش، نقشی مهم، در بیداری افکار مردم و ترویج اندیشه آزادی خواهی و مشروطه طلبی داشت. مؤید الاسلام به ایران و فرهنگ ایران علاقه بسیار داشت. روزنامه حبل‌المتین او، زبان رسای ملت ایران «و دیگر سرزمین‌های اسلامی بود که مؤید الاسلام آن را در هندوستان به چند زبان منتشر می‌کرد. روزنامه حبل‌المتین در روند انتشار به دستور نماینده دولت بریتانیا قریب ۴۵ مرتبه توقیف شد و مدیر باشهامت و بافضیلت آن به دردرسر افتاد» (گلبن، ۱۳۸۴: ۷۶). این روزنامه به‌غیراز ایران، در بسیاری از نقاط دیگر از جمله تاجیکستان، افغانستان، قفقاز، مصر و عراق خوانندگان بسیاری داشت.

مردم پاک دل هند به ما درنگرند	گر ز تهران کند این چامه به کلکته گذر
بر آن سید بیداردل دانشمند	بر آن سید والاگهر دانش‌شور
بر آن راد علمدار سپاه اسلام	بر آن راد هوادار اساس کشور
سید پاک جلال‌الدین فرزند رسول	که یکی پاک رسولی است به گفتار و به فر
دشمنان را قلم او همه تیر است و سنان	دوستان را سخن او همه قند است و شکر
راستی نامه نغز او، حبلی است متین	که به پیوستن او خلقی بگسسته ز شر
دادخواهی کند از اهل خراسان، آری	دادخواه ما امروز جز او نیست دگر
کام‌ها جمله فرو بسته، زبان‌ها خسته	جور بگشوده دهان از همه سو چون اژدر
نه یکی خامه که بنویسد درد درویش	نه یکی نامه که بنیوشد حال مضطر
بر سر اهل خراسان اگر آتش بارد	نشود مردم شیراز از آن هیچ خبر
ور ببارد ز دوسو بر سر زنجانی تیغ	اردبیلی نکند سینه پی کینه سپر
وگر آواز کشد، شرطلب و مفسده‌جوست	چیست مفسد را پاداش به‌غیراز خنجر
حالت ایران اینست به چنگال دو خصم	تا چه سازد پس از این لطف خدای داور

(بهار، ۱۳۸۷، ۱/۲۲۳)

بهار ضمن انتقاد از شرایط خفقان‌آمیز ایران، روزنامه حبل‌المتین را تنها امید ایرانیان برای

کسب آگاهی در دوره زندگی خود و هنگام سرودن این قصیده می‌داند. او با هشدار به مردم و بیان شرایط رقت‌انگیز استبداد و استعمار، بیان می‌کند که در دوره زندگی او پاسخ هر اعتراضی، سرکوب و اتهام به فساد و تفرقه است و در این راستا، توکل بر خدا و بیداری ایرانیان را به‌عنوان تنها راه نجات از شرایط دوران خود می‌داند.

۳. نتیجه‌گیری

یکی از شاعران ادبیات پایداری عصر مشروطه، ملک‌الشعرای بهار است که دیوان اشعار او، مشحون از اشعار پایداری است. نگارنده در این جستار، به بررسی و تحلیل بن‌مایه‌های ادب پایداری در یکی از قصاید رضوی او پرداخته است.

برآیند پژوهش اثبات می‌کند که بهار با بهره‌گیری از موضوعی مذهبی (تقدّس امام رضا (ع) و حرم ایشان)، به مبارزه علیه استعمار روسیه و استبداد داخلی برمی‌خیزد و در این راه، بایان جنایت رخ داده در بمباران حرم مطهر امام رضا (ع) و با تمسک به پیامبر اسلام (ص)، شرح مظلومیت شهدای این حادثه، افشای حقیقت استعماری و استبدادی عاملان این فاجعه، ستایش آزادی‌خواهان و ... سعی در بیداری و آگاهی مردم و پایداری و مقاومت در برابر اختناق داخلی و استعمار خارجی دارد.

گفتنی است که عناصر ترسیم مظلومیت مردم، افشای هویت ظالم، بر ملا کردن ماهیت استعماری و استبدادی رخداد حرم مطهر رضوی، احساس نیاز و توجه بیشتر به رهبری آزادی‌خواه و ستایش آزادی‌خواهان مسلمان به ترتیب بالاترین بسامد را در این قصیده دارند.

منابع

۱. آراین پور، یحیی (۱۳۸۲). از صبا تا نیما (تاریخ ۱۵۰ سال ادب فارسی)، چاپ هشتم. تهران: انتشارات زوار.
۲. آیین‌وند، صادق (۱۳۷۲). پژوهش‌هایی در تاریخ و ادب، تهران: نشر اطلاعات.
۳. الحسین، قصی (۱۹۷۲). الموت و الحیاة فی شعر المقاومة، بیروت: دار الرائد العربی.
۴. بهار، محمدتقی (۱۳۸۷). دیوان ملک الشعراى بهار، تهران: انتشارات نگاه.
۵. رسول‌نیا، امیرحسین و مریم آقاجانی (۱۳۹۲). مبارزه و پایداری در شعر بدر شاکر سیّاب (با تکیه بر شعر انشوده المطر)، نشریه ادبیات پایداری، سال چهارم، شماره هشتم، صص ۷۲-۵۱.
۶. روزبه، محمدرضا (۱۳۸۸). ادبیات معاصر ایران (شعر)، تهران: نشر روزگار.
۷. زند رحیمی، مینا، هدی هادی‌پور و حمیده کمالی مقدم (۱۳۹۹). بررسی انتقال مؤلفه‌های پایداری در فرایند ترجمه: مطالعه موردی ترجمه انگلیسی سعید سعیدپور از اشعار قیصر امین‌پور، دو فصلنامه علمی مطالعات بیداری اسلامی، سال نهم شماره هجدهم، صص ۶۵-۸۳.
۸. سنگری، محمدرضا (۱۳۸۶). پرسه در سایه خورشید، چاپ اول. تهران: لوح زرین.
۹. شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۷). ادوار شعر فارسی (از آغاز مشروطیت تا سقوط سلطنت)، چاپ چهارم. تهران: انتشارات سخن.
۱۰. شکری، غالی (۱۹۷۹). ادب المقاومة، بیروت: دار الآفاق الجدیة.
۱۱. عابدی، کامیار (۱۳۷۶). به یاد میهن، چاپ اول، تهران: نشر ثالث.
۱۲. عرفانی، عبدالحمید (۱۳۵۵). شرح احوال و آثار ملک‌الشعراى بهار، چاپ اول، تهران: مرکز انتشارات ابن‌سینا.
۱۳. قانونی، حمیدرضا و پروین غلامحسینی (۱۳۹۶). بررسی و تحلیل انتقاد و اعتراض اشعار شاعران پایداری (مقاومت) (با تکیه بر اشعار ملک‌الشعراى بهار)، دومین همایش ملی بازشناسی مشاهیر و مفاخر خراسان در ادب پارسی.
۱۴. کاظم خانلو، ناصر، زهرا سرداری و افسانه رسولی (۱۳۹۴). ادب پایداری و مقاومت در اشعار ملک‌الشعراى بهار، اولین همایش ملی علوم انسانی اسلامی.

۱۵. کاکایی، عبدالجبار (۱۳۸۰). بررسی تطبیقی موضوعات پایداری در شعر ایران و جهان، چاپ اول، تهران: انتشارات پالیزان.
۱۶. گلبن، محمد، (۱۳۸۴). سید حسن کاشانی و روزنامه حبل المتین و محاکمه او، نشریه پیک نور، دوره ۳، شماره ۵، صص ۷۳-۸۰.
۱۷. محسنی، علی اکبر (۱۳۹۰). نشانه‌های استبداد از منظر شعر نزار قبانی، نشریه ادبیات پایداری، دوره ۳، شماره ۵ - ۶، صص ۴۵۱-۴۲۹.
۱۸. محسنی گردکوهی، فاطمه و جواد جرنگیان (۱۳۹۷). بررسی تطبیقی سیمای پایداری در اشعار ملک الشعرای بهار و محمد الفیتوری، سیزدهمین گردهمایی بین‌المللی انجمن ترویج زبان و ادب فارسی.
۱۹. مدرّس رضوی، محمدتقی (۱۳۷۸). سالشمار وقایع مشهد در قرن‌های پنجم تا سیزدهم، چاپ اول، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۲۰. مرادپور دهنوی، امیرحسین (۱۳۹۹). درآمدی بر مراحل بیداری اسلامی در جهان اسلام، دوفصلنامه علمی مطالعات بیداری اسلامی، سال نهم، شماره هجدهم، صص ۸۵-۱۱۱.
۲۱. مقدس، حسین، حسنعلی نوروزی آزارکی و جواد کارخانه (۱۳۹۹). بررسی مهمترین مؤلفه‌های آموزه‌های دینی حوزه ادبیات پایداری در اشعار انقلاب اسلامی، دوفصلنامه علمی مطالعات بیداری اسلامی، سال نهم، شماره هجدهم. صص ۱۸۷-۱۶۵.
۲۲. معلوف، لويس (۱۳۸۰). المنجد فی اللغه، چاپ سی و هفتم، قم: ذوی القربی.
۲۳. معین، محمد (۱۳۴۵). فرهنگ فارسی ج ۵، تهران: انتشارات امیر کبیر.
۲۴. مهرآوران، محمود (۱۳۸۹). شور و شعور در آینه بررسی تأثیر انقلاب اسلامی بر شعر فارسی، فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال هفتم، شماره ۲۲، صص ۱۰۱-۱۲۶.
۲۵. نصرتی، عبدالله (۱۳۷۹). یاد آر ز شمع مرده یاد آر (تحلیل اجتماعی شعر مشروطیت)، چاپ اول، همدان: انتشارات مفتون همدانی.
۲۶. واشقانی فراهانی، ابراهیم و رضا تواضعی (۱۳۹۶). بررسی تطبیقی.